

توجه: این یادداشت ۲ دقیق نیست. هر چه حدود سه ساعت
برده که فقط چند بار آن عمرات کم ابتدای جدیت
شده که آنهم نه بطور دقیق. ه. س. بخواند صحت

سیاسی ۲۶۱

بحث بر این است که طلب تبه توده توسط رهبران

(۱) در مورد فرمول توضیح مقام خمینی. "خمینی کتاب به کار فرج علی" ...
رضوی: خمینی تنها میزده روحانیت نبود. منتظرین، روحانیون مجانبه فکر قشر از اسلام (واقع مدار ذره و خمینی هم
مگر از آنجا. بعد از ۴۲ سال را قبول داریم. بنده هر که خمینی غلط است. بعد از آن نبود که در ۴۲ بود.
نوشته شما در مورد اینها خمینی با آنرا میخواهی ارتجاعی مبارزه را هدایت میکرد و در همان سال این مبارزه

مادریه طلب و مخرب نیروی انقلابی متدیده و متناقض است.
مستند بعدی هم که شکل دولت موقت انقلابی با این نبرده هم بنیاد آنچه که در زیر طلب
آمده است سببی بر اینست: اندیشه از ارتجاعی آنرا افکار مکرریم و هم اصولاً با این مسئله
که هو این نبرد را آنرا میخواه جمع می شناسید، متناقض است. یا نیروی مترجم مکتوبان مکتوبان
رضایت. با در توضیح داد که ما این نکته را که خمینی آلت رسانیم ارتجاعی خمینی بوده قبول داریم.
برای مبارزه خمینی معنی در عصر زمان هم دو جنبه متناقض را در نظر داریم. اما صحبت بهر است که
خمینی همواره خواست حکومت اسلامی "ولایت فقیه" بود. این ولایت را که می باید در ارتجاعی در نظر
مکنر کنیم، غیر قابل انکار است.

رضوی: در حال مسئله مهم، استقلال بر ارتجاعی در جهت را که سه نوشته است
و این صمیم نیست. اما در ۶۰ سال بعد فاسی یاریت قدری در مقام انور لیون و ارتجاعی
رضایت: مسئله مهم نیست که سه هم اعلام کنیم که اولاً و جنبه با خمینی (یعنی جنبه ای از ارتجاعی)
غلط است و لایق نیست در سال ۶۰ در ۶۱ غلط بود.

جنبه روحی - ۹۵، ۳، ۹ - صورت
بهره - تفاد بنیادین اصل و عمده علی این تفاد هم و معنی است که هر طبقه باید و نیز در اجتماع در هر جنبه ای
در معنای هم قرار دارند. از گوسد تفاد اصل، کار و سرمایه در این است انقلاب ملکه (سوراستر)
معنی خود را از دست میدهد.

تفاد اصل از تفاد عمده جداست.

در هر جنبه اصل است که سرمایه داری و تفاد روحی معنی است و در طبقه اصل، بر این بود و داری با هم بود در هر
خامش خود بود. این تفاد اصل است. اما تفاد عمده به صفت آری بالکل خلق را میسر میسر در برابر ملکه است
بهره - نه با قبول قرار هم که تقسیم طبقه در حقیقت مایه است در هر طبقه اصل، هر دو تفاد بود و داری نیست.

و روحیه - نهفت آزادی، سنگلوی قشر بالای بود و داری مقبول است و نه فقط بود و داری متوسط.

در هر جنبه اثر روحانیت با کارها خواهی اجتماعی مبارزه را هدایت نکرد. تحت تاثیر تون است در نتیجه

بر این روحانیت پیرو معنی هیچ نیاید نیاید ترقی آن مایل نیستید. زیرا راه را که در هر معنای
بهره بنظر من که الان آزادی معنی است به جناح دیگر، معنی است زیرا راه را که در هر معنای
را می توان در آن استخوان این از نظر سیاسی گفت.

در هر جنبه آزادی معنی مترقی است. در آن ما و جامع ما در قرن ۱۸ و ۱۹ است. از آن
معنی است که آدمی معنی مترقی است، با حرکت تمام این اعلام شد است.
بهره - معنی است این جنبه روحی است.

در این در هر جنبه اصل است که وجه عمده مبارزه معنی در تقابل از انقلاب، معنی است که در هر
اینکه آزاد بود و معنی تکلیف و معنی طبقه را از نه هم به در این صورت بود این از انقلاب است.
توضیح نخواهیم بود. در تاریخ این معنی در ۴۲ که با هر جنبه کل نکرد. در روحانیت پیرو معنی
حتی نیروی می و معنی داشتند که هر فرد اصلا وزیر اصلا بود و در هر جنبه بود.

بهره - معنی است که روح معنی است که ولایت فقه بود از ولایت فقه هم هم
چیز دیگری که حال آنکه ولایت جامع چیز دیگری بود.
- روح - بلکه از ولایت فقه چیز تفرقه ای از معنی است.

رفیق - منہ تاکتیک اور نور انجمن و مسیحی مہلک باہر کر دے۔ منہ امتیہ کہ ماژوڈ تر لہ سال
۶ صی پلاست کتاب خفہ کما را از منہ مہلک استفیو دم۔

رضوی - ما مہلک استیم منہ را در برابر تودہ با قرار دہیم۔ بزبانہ ایمان را بر دم بہ سہل و تبدیل
بہ نیروی۔

در این مضمون: رد التورک فخری باشد. فعلاً هم ردین است. با هم برابر است. از نظر ادبی
 آشنی تنظیم کنند. از است واحد با در پیش برده که هیچ است در این صورت تقوی خندان
 مسئول هیچ نیست. البته در مورد است گذشت تفاوت نیست و در مورد آشنی تماماً هیچ
 حرفی نگفته است. بنابراین وارد گذشت نمیشویم و روی حال و آشنی نگه میکنیم.
 رفیق: بنویسید، یکبار بخار بیهوش ما در کار مشورتی را در اولی است. اینها
 با توافق کل روز سال، مطالب را غیر کنیم، کاملاً هیچ است در حال، مطالب
 پس از نوشته شدن توسط طرفین به تأیید میرسد. مواضع دیگر مثل آشنی
 رفیقی: تا مگر آریس واحد پیدا نکردیم، نیامد آریس در هم. اینها چیزی است
 رفیق: مسئله دیگر است که اگر اختلافات پیش آید، باید به کمیسیونها هندی برگرداند تا با محل
 شش. در ضمن یکی از گفتار است ما برسد.
 رفیقی: مسئله ای نیست. مثل است

- جمع است:
- ۱) برنامه‌هایی که روی آشنی می‌رود، در همه‌های ^{بچه‌ها مخصوصاً} ^{توافق با هم برنامه‌ریزی می‌شود} ^{سرمه} روی آشنی می‌رود.
 - ۲) موارد اختلاف با کمیسیونها هندی می‌رود.
 - ۳) آریس؟ یک آریس تازه تهیه می‌شود. صندوق در سطح هر جا تحت نظارت و حفظ ما هم کار می‌کند.
 - ۴) شیخ در اختیار طرفین می‌رود.

اینها هم در این مضمون است
 که در این مضمون است
 که در این مضمون است

- اینها هم در میان غرب و شمال
- توافق شد و قرار شد با اولی است شود.
- منظور از سرود است اینست که در است رفیقی
- از سرود است را در بر داشته شد و او در
- هیچ مشکلی در او بر نداشت و بر سر است که در او در
- قابل حل باشد؛ البته ما هم می‌توانیم حل می‌شود
- بعد از این بین ما و شمال تغییر آریس به ما را تا ماه
- باشد و هرگز آریس. رفیقی گفتند تلاش می‌کنند ولی
- نمی‌توانند تا آن وقت به است تمام است